

هنر اسلامی

و

افق های جدید

محمد افروغ

(Aston) این رویکرد با برخوردی نشانه شناسانه، ماهیت هنر اسلامی را، در نقشی که برای آن، در هر یک از تعریف ها در نظر گرفته شده، باز تولید می نماید. هر چند که در این گونه موارد، جایگاه هر ساختار از پیش تعیین شده، آزادی و انسجام تعریف را از میان می برد (سوسور، ۱۳۷۸، ص ۲۴). لیکن تلاش گسترده هنر پژوهان، در ارائه تعریفی جامع و مانع از هنر اسلامی، در کنار باز کاوی مبانی نظری آن، موجب فراگشت تر افزایشده بستارهای هنر اسلامی شده است. با این وجود، هنوز انسجام امیدبخشی، در ارائه تعریفی جامع و مانع از آن، به دست نیامده و باز تولید معنایی هنر اسلامی تنها در سایه تعمق و توجه به مبانی نظری و مفاهیم اصولی آن میسر خواهد بود.

نگره های اصلی در تعریف هنر اسلامی

۱- هنر مقدس

این نگرش، هنر اسلامی را هنری مقدس می پندارد. دو رویه متمایز، در مبانی اندیشه سازی این گروه، قابل باز شناسی است، که این تمایز در مبانی منجر به رویکردهای متفاوت در طرفداران این نحله شده است. بر اساس این دو رویکرد، دو تعریف متمایز از هنر اسلامی به دست می آید:

الف) هنر اسلامی، هنری است که مستقیماً از دستورات قرآن کریم و یا روایات اسلامی به دست آمده باشد. مبنای اصلی این تفکر اعتقاد به کامل بودن قرآن است و می گویند: انسان تمام نیازهای خود را می تواند در قرآن بیابد (۱) (چنان که کارل جی دوری، می گوید: هنر اسلامی در زمینه های گوناگون، دارای پایگاهی والا و چشمگیر بوده و منشأ فعالیت مسلمانان در جهان است و مایه ربط

گروه وسیعی از آثار هنری، امروز با عنوان هنر اسلامی شناخته می شوند. شناسه اسلامی، در کنار هنر، به تصورات مبهم نشانه شناسانه و مفاهیم روشن پدیدار شناسانه ای اشاره می کند، که بر ساخته از مفاهیم اولیه (بدون تعریف، اما معلوم) و اصول موضوع (مفاهیم پیشادانشی) مربوط به هنر اسلامی است.

تئوری های متنوع، نتوانسته اند تعریفی جامع و مانع، از هنر اسلامی ارائه نمایند و این پرسش باقی مانده که به راستی هنر اسلامی چیست؟ واپژوهی دستاوردهای هنر پژوهان در این زمینه منجر به باز شناسی شش تعریف پایه ای گردید که سایر فرضیات را می توان زیر مجموعه ای از آنها به شمار آورد. در این تعاریف هنر اسلامی به مثابه مقدس، هنر جهان اسلام، هنر مسلمانان، هنر با محتوای دینی و اسلامی، هنر عربی، هنر انتزاعی و هندسی و یا ترکیبی از تمامی موارد فوق معرفی شده که هیچ کدام نمی توانند به تنهایی و به صورت جامع و مانع معرف هنر اسلامی باشند، اما هر یک به نوبه خود، روزه ای به ارائه تعریفی فرهیختار، در این زمینه می گشایند، که تجلی عناصر سلبی و ثبوتی الهی، وحدت و یگانگی است. به عبارت دیگر برابر نمایه هنر اسلامی، هنر توحید است.

هنر اسلامی چیست؟

هنر اسلامی، شامل ویژگی های مختلف و جنبه های گوناگون است که هر یک بیانگر خصیصه ای از خصوصیات آن به شمار می آید. اغلب تعریف ها، نگاهی تقلیل گرایانه دارند. از این رو، موجب حذف برخی ویژگی ها شده اما به برخی دیگر محوریت می بخشند. این روند موجب جدایی تأویل از متن اصلی می گردد، (1991:180)

پرسش از «چستی هنر» یا «هنر چیست؟»

در تاریخ مکتوب بشر، دستکم قلمتی

۲۵۰۰ ساله دارد و باب بحث بر سر این

موضوع، هنوز هم مفتوح است. به همین

سیاق، گفت و گو از «هنر اسلامی» نیز به

خاطر ماهیت سیال و آراء متفاوت و متکسر

هنر شناسان مسلمان و غیر مسلمان، هنوز

پرونده ای گشوده است که می توان در آن

مناقشه کرد.

در جستاری که اینک پیش روی شماست،

نویسنده با باز کاوی در مفهوم هنر اسلامی،

تئوری ها و دیدگاههای شماری از هنر پژوهان

ایرانی و غیر ایرانی همچون: آستون، براند،

سوسور، بورکهارت، پرایس، دکتر

سید حسین نصر، دکتر کیانی، تالبوت رایز و

دکتر رهنورد را با استناد به تعاریفی از چند

دانشنامه هنر، کنار هم نهاده و کوشیده است تا

در یک پژوهش روشمند، با باز شناسی شش

تعریف پایه ای از «هنر مقدس»، «هنر جهان

اسلام»، «هنر مسلمانان»، «هنر با محتوای

دینی»، «هنر عربی» و «هنر هندسی»،

«دیدگاههای متنوع و اصلی صاحب نظران را

در تعریف هنر اسلامی ارائه و برآیند آنها را در

نتیجه گیری این تحقیق منعکس کند.

هنرمند با هنرش اصولاً توحید است و هنرمند مسلمان تنها از یک منبع گر انقدر بهره می گیرد و آن قرآن است. (دوری، ۱۳۶۸، ص ۳). در ادامه قرآن را به عنوان تنها منبع قابل اعتماد برای هنرمند مسلمان و محور اصلی در بازخوانی هنر اسلامی معرفی می کند. عده ای در این زمینه به تندروی هایی نیز دچار شده اند تا آنجا که خود مجبور شده اند، این نگرش افراطی را نامناسب معرفی نمایند. بر این اساس در برخی دایره المعارف ها به چنین عناوینی برخورد می نماییم: بندها و گره هایی قوی یک مسلمان را با اعتقاداتش پیوند می دهد، پیوندی که تمام وجودش را دربر می گیرد. دنیای یک مسلمان بسیار محکم تر از دنیای یک مسیحی یا یک فرد عادی است: (Encyclopedia of Word Art, 1993: V.III, 332)

و پس از تبیین این ویژگی ها به این نتیجه می رسد که مبانی و دستورات دینی هرگز از طرف یک مسلمان مورد سؤال قرار نمی گیرد، از این رو امکان چالش میان هنرمند و آموزه های دینی وجود ندارد و آنچه در نهایت، تعیین کننده شاخصه های پذیرفته شده و عمومی اند، سنت و قرآن است. این برداشت از کامل بودن قرآن کریم و لزوم پیوند آن با تمام شئون زندگی، دستاویز اغلب چنین تأویل هایی قرار گرفته است. از این روست که در برخی دایره المعارف ها متن قرآن، یگانه مرجع هنر اسلامی معرفی شده است. در این حالت، قرآن تنها یک کتاب دینی مشتمل بر نشانگان مذهبی نیست، بلکه منبعی است برای تمام زندگی که هر عنصر اسلامی باید موبه موبه برگرفته از دستورات آن باشد، (Dictionnaire Encyclopedique, 1998: V.III, 3122)

در این تعریف، هنر اسلامی همان هنر قرآنی است و البته در این نگاه، اسلام تنها یک دین نیست بلکه یک سری از دستورات کامل برای زندگی است. پس چیزی اسلامی است که از این دستورات به دست آمده (Grand Larousse Encyclopedique, 1962: V.6, 243) و هنر اسلامی، هنری است که بر اساس دستورات اسلامی شکل گرفته باشد. اجازه بهره گیری از تزئینات در مسجد (۲) را موجب پدیداری کاشی کاری، طهارت آب را موجب شکل گیری حوض آن در صحن، اجازه رفعت (۳) را موجب برپایی گنبد و مناره در مسجد معرفی می کنند.

این نگرش در سه مرحله با مشکل روبرو می شود: ۱- نخست آن که در بسیاری از موارد دستورات در قرآن مجید، ثبت نشده است. به عنوان مثال: در تورات دستور ساخت کشتی، نحوه کف سازی هیکل و غیره آمده است ولی در قرآن دستورات مشابهی از آن دیده نمی شود در این حالت لازم می آید تورات کاملتر از قرآن تلقی گردد.

۲- وقوع دگرگونی های تکنولوژیک امکان اجرای دستوری ثابت، در طول زمان را منتفی می سازد در حالی که اسلام دینی است برای تمامی دوران و لازم است دستورات آن در همه زمان ها ارزشمند باقی بماند.

۳- تنوع نژادی، اقلیمی و منطقه ای مسلمان، پرسش بی پاسخ دیگری در این زمینه است. اگر قرار باشد قرآن دستورات ثابتی بدهد دیگر در همه جا قابل اجرا نبوده و جهانشمول بودن تعالیم الهی

بناهندسه ماهیت هنر اسلامی نیست بلکه سازواره انسجام آن است که در صورت آن نمود می یابد. اولین گزاره و آخرین نمایه هنر اسلامی، فرم توحید است. در هنر اسلامی، محتوا و رسانه فرع حکمت اند زیرا وحدت در کثرت، روایت یگانگی باری تعالی است.

اسلام زیر سؤال خواهد رفت.

ب) هنر اسلامی، هنری است که برگرفته از استعارات و مفاهیم مقدس و اسلامی باشد. در رویکرد این نحله، رواداری بیشتری نسبت به گروه قبلی مشاهده می گردد. شالوده این نگره، بر مقدس دانستن برخی اعداد یا فرم هاست. دریافت تقدس کعبه (۴) از شکل مکعبی آن (بورکهارت، ۱۳۶۵، ص ۱۷)، تقدس حجرالاسود به سبب فرود از آسمان (بورکهارت، ۱۳۶۵، ص ۱۸)، و یا تبرک جامه مخملین کعبه به سبب آداب مقدس جامه پوشانی (بورکهارت، ۱۳۶۵، ص ۱۸) از مثال های روشن این رویه اند. رویکردهای این نحله از یکسو منجر به شکل گیری اعداد مقدس به عنوان پایه طراحی و از سوی دیگر، منجر به روایت گیری نشانه گرا در فرآیند طراحی شده است. مقدس شناختن قبه الصخره (۵) به سبب اعداد مقدس (بورکهارت، ۱۳۶۵، ص ۲۶)، یا اسلامی دانستن تزئینات محراب و اجازه بهره گیری از نگارگری، در دیواره محراب به سبب خصوصیات نشانه ای آن (هیلن براند، ۱۳۷۷، ص ۵۴) و تقدس چراغ محراب به سبب تجلی باری تعالی (هیلن براند، ۱۳۷۷، ص ۵۴) مثال های روشنی از این نوع نگرش به هنر اسلامی اند.

این نگاه به هنر اسلامی نه تنها جامع و مانع نیست حتی نمی تواند تناقض درونی خویش را نیز برطرف سازد. از یک سو عدم سازگاری عده ای از آثار با اعداد مقدس، اعتبار آنها را زیر سؤال برده، از سوی

دیگر تلاقی استعارات و روایات خوانی نشانه گرا در آثار اسلامی آنها را به آثار دیگر مکاتب همانند ساخته است. چراغ محراب که نشانه ای از نور خداوند سبحان (۶) معرفی شده (هیلن براند، ۱۳۷۷، ص ۵۴) بیانگر مقام حلول است نه تجلی و قرار نگر فتن آن در مرکز مسجد- زیر گنبدگاه- بر تناقض این اندیشه افزوده است. شباهت محراب با حفر یهودی (بورکهارت، ۱۳۶۵، ص ۹۵) شباهت کعبه با تابوت عهد (بورکهارت، ۱۳۶۵، ص ۱۸) و عدم هماهنگی چهارسویه کعبه با جهات جغرافیایی (بورکهارت، ۱۳۶۵، ص ۱۸) مشکلات ویژه ای را در این زمینه به وجود آورده تا آنجا که عدم انسجام اعداد مقدس در مسجد الحرام، در برخی گزارش ها مایه ضعف اعتباری آن، در برابر مسجد الاقصی تلقی گردیده است. هنر مقدس مدت هاست که در حوزه تحلیل و نقد هنری، به عنوان یکی از مهمترین بنیادهای هنر مذهبی تجلی یافته و پرداختن به هنر اسلامی، مسیحی، بودایی و غیره، بدون توجه به ابعاد و ویژگی های آن امکان پذیر نیست. نگاه قدسی و ماورای هنر مقدس با ارتقاء اندیشه هنری به انگاره های قدسی گامی در تعالی هنر به شمار می آید. پذیرش هنر اسلامی، به عنوان هنر مقدس، هر چند معرفی هنر اسلامی نیست، لیکن همواره سرشار از بداعت و تازگی خواهد بود.

۲- هنر جهان اسلام

الف) هنر سرزمین های اسلامی: این نگرش، هنر اسلامی را هنر سرزمین های اسلامی، در دوره اسلامی می پندارد. در این نگرش اسلام، اساساً دارای هنر و یا رویکرد هنری نیست، بلکه آنچه در سرزمین های اسلامی تا پایان قرن بیست به وقوع پیوسته، هنر اسلامی شمرده می شود (Vernot, 1999: xi) حتی اگر سفارش دهندگان این آثار خود مسلمان نباشند و یا کالای تولیدی در خدمت آرمان های اسلامی نباشد (Koch, 1991: 10) در این روش ممکن است حتی هنرمند نیز مسلمان نباشد چنان که کریستین پرایس (۷) می گوید: «هنر این صنعتگران- که بسیاری از آنها هرگز به اسلام نگرویدند- با هم پیوند خورد و زیر فرمان اسلام، مبدل به شیوه هایی شد که امروزه به نام هنر اسلامی، شناخته می شود». (پرایس، ۱۳۶۴، ص ۹) و یا الگ گرابار هنر اسلامی را مربوط به اسلام نمی شناسد و می گوید که هیچ رابطه ای میان هنر اسلامی و اعتقادات اسلامی وجود ندارد. در این نگاه، هنر اسلامی اساساً هنری التقاطی و غیراصولی شناخته می شود تا آنجا که در کتاب «هنر اسلام در سده های نخستین» (۸) می بینیم: «به طور کلی هنر اسلامی از تکنیک ها و تم هایی به وجود آمد که از کشورهای تسخیر شده اخذ شده بود. اسلام مصالحه ای میان هنر ایران، بیزانس و مصر به وجود آورد... حیواناتی - اغلب

اسطوره ای - که روی در روی هم در دو سمت درخت زندگی ایستاده بودند (مانند آنچه نگارگری هندی وجود داشت) و تصویر شیر هم در آن زمان از هنر بیژانس پذیرفته شد و در منسوجات ایرانی به کار رفت و به صورت تم مخصوصی درآمد که باعث بقای آن گردید و در منسوجات مصری دوره اسلامی هم مورد استعمال یافت. (وایه، ۱۳۶۳، ص ۷) البته در این راستا عده ای چون محمد کیانی گرده برداری را آگاهانه می دانند، چنان که می گوید: «شالوده هنر اسلامی، ترکیبی از هنر کشورهای مغلوب، مانند ساسانیان و حکومت بیژانس، با فرهنگ اسلامی (بود)» (کیانی، ۱۳۷۴، ص ۳) از این رو عصاره فرهنگ اسلامی را نیز می توان در آن جست و جو کرد.

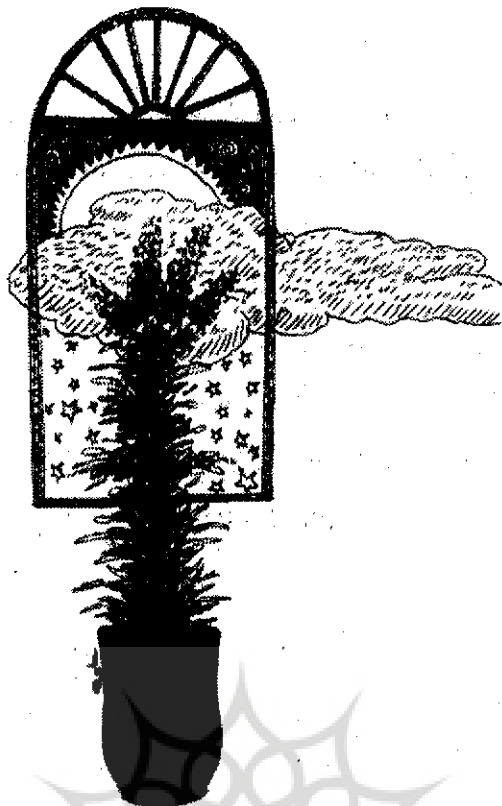
برای اثبات این که، هر ساخته هنری در سرزمین های اسلامی جزو هنرهای اسلامی نیست، کافی است مکتوبات طرفداران این نظریه مورد بررسی قرار گیرد. در اغلب این تألیفات، شمار خاصی از آثار برگزیده شده اند، این نکته گواه بر این است که تنها برخی از آثار دوره اسلامی را می توان جزء هنر اسلامی دسته بندی ساخت.

حذف پیوستار معنایی - زمانی و تقلیل آن به دوره های تاریخی، مسأله دیگری است که در این روش، بدون پاسخ مانده است.

ب) هنر مسلمانان: این نگرش، هنر اسلامی را، هنر هنرمندان مسلمان معرفی می کند

(The Dictionary of Art, 16V, 94) از بزرگان این گروه می توان به دیمر و آرنولد (۹) اشاره کرد. در این نگاه، هنر اسلامی وجودی ماهوی ندارد. بلکه نامی است که به وسیله آن آثار هنرمندان مسلمان باز شناسی می گردد. این روش، توجیه مناسبی برای تنوع آثار هنر اسلامی ارائه می کند که آن گونه گونی مسلمان است (Hoag 1979:7) پیشرفت تکنیک های هنری با پیشرفت مسلمان هماهنگ بوده و این برهانی دیگر بر استواری این اندیشه تلقی شده است

(Atsoy, 19970). هر چند این روش، گاهی به کمک نشانه شناسی به نمود خوانی (۱۰) نیز بدل یافته و حضور یک اثر، نشانه حضور مسلمانان معرفی شده است (پینگ، ۱۳۷۳، ص ۱۰) به هر حال، پذیرش این امر که هنر اسلامی، هنر هنرمندان مسلمان است: ۱۹۶۶ (Encyclopedia International, 1990:7 V.9, 446) باعث حضور باز گسترده ای از آثار هنری در این زمره شده است. این نظریه به وسیله عده زیادی از پژوهشگران هنر اسلامی تاکنون به شیوه های متفاوتی مطرح شده و مورد بررسی قرار گرفته است. این تعریف از هنر اسلامی، با وجودی که تعریفی جامع است مانع نیست. به عبارت دیگر، بسیاری



از فعالیت های هنری مسلمانان را نمی توان جزو هنرهای اسلامی طبقه بندی کرد.

همانگونه که ممکن است عملی غیر اسلامی از مسلمانی دیده شود ممکن است هنرمند مسلمانی یک اثر هنری غیر اسلامی تولید نماید. از این رو باز شناسی هنر اسلامی به عنوان هنر هنرمندان مسلمان، کلی نگر و غیر دقیق است.

۳- هنر با محتوای دینی

این نگرش، هنر اسلامی را هنری می داند که انتقال دهنده مضامین الهی و اسلامی است. لذا، هنر باید در خدمت تعالیم اسلامی و ارشاد مردم قرار گیرد، تا بتوان آن را اسلامی نامید. به عبارت دیگر «هنر دینی چه از سبک تجرید و بیان رمز و تمثیل بهره مند باشد و چه رمز و نماد و تمثیل را از طریق اشکال و تصاویر فیگوراتیو (ساختوار) به نمایش گذارد، چه از طریق باز نمود طبیعت و واقعیت محض، آن را بیان کند. در هر حال، تجربه زیباشناختی از امر قدسی است و این امر آن جوهر اصلی هر گونه تعریف هنر دینی» (رهنورد، ۱۳۷۸، ص ۱۶) با چنین تعریفی هنر اسلامی، هنری است حاکی از تجلی عوامل برتر، در ساحت های نفسانی و دینی (نصر، ۱۳۷۰، ص ۱۶) با چنین تعریفی هنر اسلامی، هنری است حاکی از تجلی عوامل برتر، در ساحت های نفسانی و دینی (نصر، ۱۳۷۰، ص ۳۸) هنری که با تقدس خویش دنیای مادی را سرشار از پیام های ایزدی نماید. (Eliadr, 1987:12)

و بهترین راه برای تحقق چنین امری، آن است که هنوز در برگیرنده مضامین بلند قرآنی (۱۱) شود (Atsoy, 1990:7). طرفداران این نحله با استناد به گفته ارزقی (۱۲) می گویند: شمایل نگاری مجاز است زیرا در جریان عید برائت و تطهیر کعبه از بت های مشرکان «پیامبر اکرم (ص)» با دو دست (خویش) تمائیل مریم علرا را حفظ فرمودند (تامبادا حضرت علی (ع) آن را محو سازد) و امر به محو ساختن دیگر تصویرها نمودند» (بورکهارت، ۱۳۶۵، ص ۱۹).

بر اساس این داستان، شمایل نگاری رامجاز دانسته و در توجیه روایات متعددی که از پیامبر اکرم و ائمه اطهار بر ضد شمایل نگاری در مکان های مذهبی آمده است، می گویند: «نهی تصاویر در اسلام به طور کامل و فقط مربوط به نگاشتن تصاویر الوهیت می شود... نهی چهره پیامبران و رسل به سبب احترام و غیر قابل تقلید بودن ایشان (است)» (بورکهارت، ۱۳۶۵، ص ۴۰).

پذیرفتن هنر اسلامی، به عنوان هنری با محتوای دینی، منجر به پذیرش تمام صور هنری به عنوان پیام رسانی و پذیرش شمایل نگاری در مساجد و ابنیه مذهبی است. به عبارت دیگر، بر اساس این نگرش باید بتوانیم، تصویر حضرت علی (ع) را در مسجد نصب کنیم. این در حالی است که طرفداران این روش خود به تناقض این نگاه با سیره پیامبر اکرم (ص) (۱۳) اذعان دارند. علاوه بر این، رویه هنرمندان مسلمان نیز جز این بوده، که همواره جدا از مضمون و محتوای اثر به فرم و زمینه آن نیز توجه کرده اند (سیفی تفرشی، ۱۳۶۳، ص ۸). عبادت در حضور تصاویر، چون شمایل پرستی در میان مسلمانان نکوهیده است (هلین براند، ۱۳۷۷، ص ۷). هر چند آثار نامناسب این چنین نگرشی به هنر اسلامی مبرهن است، لیکن تلاش متفکران معتقد به این روش، فوایدی بیشمار در جهت توسعه مبانی هنر اسلامی به همراه داشته است.

۴- هنر عربی

در این نگرش، هنری که ملهم از پشتوانه اندیشه های عربی قبل از اسلام و صدر اسلام است و یا هنری که وفادار به زبان عربی، به عنوان واسطه تماسی قرآن مجید باشد، هنر اسلامی خوانده می شود. تالبوت رایس (۱۴) هنر اسلامی را برگرفته از نگره های عربی ابر انگاره های اسلامی، در سال های ابتدایی پیدایش اسلام می خواند. از این رو برای آن پیشینه ای عربی قایل می شود. (Talbot Rice, 1986:7) حضور زبان عربی به عنوان ابزار رسانه ای وحی، باعث گردیده است عده ای از متفکران اسلامی، از آن با عنوان زبان مقدس و یا عنصر اصلی هنر اسلامی یاد کنند (بورکهارت، ۱۳۶۵، ص ۵۱). در این میان، ارنست کونل شباهت میان هنر دینی و

غیردینی را در سرزمین‌های اسلامی دلیل بر حضور پیوستاری کارآمد و البته عربی در این کشورها می‌داند و بسیاری از عقاید اسلامی، از جمله رویه هنری هنرمندان مسلمان را حاصل اندیشه‌های زبان عربی پیش از اسلام می‌شمارد تا آنجا که، می‌گوید: «مخالفت باگروندگان به سوی طبیعت (ناتورالیسم) آنچنان در طبع فرد فرد مسلمانان فرو زفته بود که بدون (تعالیم) و یادآوری‌های مؤکد پیامبر هم می‌توانست پابرجا بماند» (۷ک ۱۹۶۶) و بسیاری دیگر از اصول و مبانی هنر اسلامی، را به نگره‌های عربی و اغلب به قبل از اسلام و یا سنن جزیره عربستان ارجاع می‌دهند. به هر حال، این گروه از پژوهشگران هنر اسلامی برای این هنر پشتوانه‌ای عربی معرفی می‌کنند.

وضعیت هنری شبه جزیره عربستان پیش از اسلام کاملاً مشخص است. لذا، تصور این که آداب و سنن آن، مایه شکوفایی و بالندگی هنر اسلامی شود به کلی مردود است. تصور عادات ضدشمال نگاری و پیکره سازی دز عرب دوره جاهلی نیز بر اساس شواهد موجود غیرممکن می‌نماید (بورکهارت، ۱۳۶۵، ص ۱۹) و آنچه در سراسر سرزمین‌های اسلامی پراکنده شده است خود زبان عربی نیست بلکه کلام وحی است و در بناهای اسلامی، منسوجات، سفال‌ها و نقشینه‌های چوبی، کلام وحی است که خودنمایی می‌کند و نه زبان عربی و اگر زبان عربی رونق یافته، به سبب جریان آن، در کالبد نظام دیوانی دستگاه‌های مدیریتی است (Atasoy, 1990:7) نه تقدس ماهیتی آن.

۵- هنر هندسی

این نگرش، هنری را اسلامی می‌داند که از یک سری تکنیک‌های خاص و یا عناصر انتزاعی شده مشخص مانند شمس، چلیپا و غیره استفاده نماید. در این نگاه، هنر اسلامی گاهی تا مرز یک سری نگاره و نقشمایه تقلیل می‌یابد (Pinder, 1985:2) در این زمینه، گاهی تکنیک و روش‌های کارآیندی یک معنا را مهم‌تر از خود معنا معرفی می‌کند.

(Grabar, 1967:87) شباهت جزئیات اجرایی و تفاوت در کلیت هنری، در نقاط مختلف، موجب متناظر دانستن میان شالوده هنر اسلامی با جزئیات هندسی و استعارات نمایه‌ای، گردیده است. تعریف معماری شامل گنبد، مناره، کاشی و غیره با عنوان معماری اسلامی، حاصل این روند در اندیشه هنر اسلامی است.

(Michell, 1984:7) عدم جواز تزیینات و شمایل نگاری در مساجد و اماکن مذهبی به صورت مستقیم از آیات قرآن استنباط می‌گردد. از این روست که هنرمندان اسلامی، دقت هوشیاری کافی را در گرته برداری از این فرم‌ها به کار می‌گیرند (The Dictionary of Art, 1996:V. 1699)

□ این تصور که آداب و سنن شبه جزیره عربستان پیش از اسلام، مایه شکوفایی و بالندگی هنر اسلامی شده به کلی مردود است و آن چه در سراسر زمین‌های اسلامی پراکنده شده است و در بناهای اسلامی، منسوجات، سفال‌ها و نقشینه‌های چوبی، این کلام وحی است که خودنمایی می‌کند و نه زبان عربی و اگر زبان عربی رونق یافته، به سبب جریان آن در کالبد نظام دیوانی دستگاه‌های مدیریتی است.

نقش ماههای اسلیمی و نگاره‌های هنری همزاد اسلام نیست. پس نسبت دادن یک فرم به هنر اسلامی، امری غیر قابل قبول است (۱۵) مسلمانان، نیایش در برابر تصاویر و مجسمه قدیسان- به آن صورت که در مسیحیت حضور دارد- را شمایل پرستی (۱۶) دانسته، از این جهت به شمایل شکنی (۱۷) و انتزاع روی آوردند. این تصاویر انتزاعی و طرح مایه‌های هندسی از خود اصالتی نداشته، به استعارات و پیام‌های الهی باز می‌گردند (هیلن براند، ۱۳۷۷، ص ۳). هنر اسلامی، هنر توحید است و با هنر تجرید متفاوت است (الصایغ، ۱۹۸۸، ص ۱۲۶) اغلب پژوهشگرانی که هنر اسلامی را در نقش مایه‌های آن جست‌وجو کرده‌اند از این نظریه حمایت می‌کنند. (۱۸) در حالی که نه از نظر جامعیت برخوردار است و نه از مانعیت. به عبارت دیگر، هر نقشینه اسلیمی، انتزاعی نیست و تمام نقش مایه‌های انتزاعی، اسلامی نیستند.

۶- هنر اسلامی شامل همه موارد فوق است

این نگرش، هنر اسلام را شامل تمامی این نظریات و یا گزینه‌ای از تعدادی از عناوین فوق معرفی می‌کند (رهنورد، ۱۳۷۸، ص ۶۱-۵۰) و گاهی در حرکتی محافظه کارانه‌تر، تمام این عناوین را، در قالب جستارهای هنر اسلامی، باز تعریف می‌نماید و این در حالی است که گونه گونی دستورات و برنامه‌های ارائه شده، علی‌رغم

جامعیت از مانعیت برخوردار نیست. در طرف مقابل گروهی دیگر، در صدد گردآوری اشتراکات گروه‌های پیش فرض و تعریف سامان‌های جدید برای هنر اسلامی‌اند. در این رویکرد، یک اثر اسلامی، تعریف یافته از صفاتی متمایز و گونه گون، تحت عنوان ویژگی‌های هنر اسلامی می‌گردد. البته بسیاری از گروه‌های فوق، هیچ جنبه اشتراکی با یکدیگر ندارند از این جهت، این تعریف نیز، علی‌رغم مانعیت از جامعیت برخوردار نیست، در هر صورت تلاش این گروه از دانشوران حاصل حرکت نمودگرایانه، در باز تعریف هنر اسلامی است، با شرایطی که تمامی موارد را شامل گردد. که این تلاش به خودی خود، به ابهام و واگرایی تعریف‌های هنر اسلامی دامن می‌زند.

نتیجه گیری

هنر اسلامی لزوماً برگرفته از آیات و روایات نیست، هر چند هنر اسلامی خود را بی‌نیاز از آن نمی‌داند، قداست هنر اسلامی در فرم آن نیست، بلکه در صورت آن است. هنر اسلامی، هنر دولت‌ها و سرزمین‌های اسلامی نیست هر چند اغلب آثار اسلامی، در دوره پایداری این دولت‌ها شکل یافته و شکوفایی خویش را مرهون این دولت‌هاست. هنر اسلامی، هنر هنرمندان مسلمان نیست، هر چند یک اثر اسلامی نمی‌تواند چیزی جز نمودنیت (۱۹) فرجام شناسانه یک مسلمان متعهد باشد. خلق هنری در اسلام، بازتاب حسن فعلی و حسن فاعلی است. مسلم است که هنر اسلامی محتوای دینی دارد لیکن هر هنر با محتوای دینی اسلام نیست، هنرمند در هنر اسلامی، در بند رسانه و بیان نیست، چه رسد به واسطه زبان. حضور کلام عربی، آثار اسلامی، تقدیس کلام است نه زبان. هندسه ماهیت هنر اسلامی نیست، بلکه سازواره انسجام آن است که در صورت آن نمود می‌یابد. در این هنر هیچ نشانه‌ای، بینشان نیست و هر نمایه، گزاره یک توأبر نمایه متعالی است. اولین گزاره و آخرین نمایه هنر اسلامی، توحید است. هنر اسلامی تداومی است از صورت به آیت و آیت به وحدانیتی پایدار، که در آن نقش مایه‌ها رنگ باخته، انگاره‌ها نقش می‌گیرند. در هنر اسلامی، فرم، محتوا و رسانه فرع حکمت‌اند و چون وحدت در کثرت، روایت یگانگی باری تعالی است.

مثنوی مادکان وحدت است

غیر واحد هر چه بینی آن بت است (۵۲۸-۶)

بت شکن بودست اصل اصل‌ها

چون خلیل حق و جمله انبیا (۸۱۴-۴)

۱- سوره انعام، آیه ۵۹:

هیچ تر و خشکی نیست، جز آن که در کتاب مبین (قرآن مجید) مسطور است: از این آیه، این چنین استفاده می شود که قرآن شامل تمامی نیازهای انسان و شامل بر قوانین و سنن حاکم بر جهان است.

۲- سوره اعراف، آیه ۳۱ و ۳۲: ای پسران آدم، در هر جایگاه نیایشی جامه آراسته بر تن کنید... چه کسی تن پوش زیبا را که خدا برای بندگانش آورده، حرام ساخته است: اندیشه ای که هنر اسلامی را هنر مقدس می داند این آیه را دلیل بر جواز کاشی کاری و بهره گیری از فرش های رنگین در مسجد معرفی می نماید.

۳- سوره نور آیه ۳۶: در خانه هایی که خدا رخصت داده که آن جار فعت یابد و در آن ذکر نام خدا شود و صبح و شام تسبیح و تنزیه ذات پاک او کنند: اندیشه ای که هنر اسلامی را هنر مقدس می داند این آیه را دلیل بر اجازه رفعت و بلندی مناره ها، گنبد و دیواره معرفی می کنند. امام خمینی در ذیل این آیه، رفعت را بلندی و رفعت فیزیکی و ظاهری تعبیر کرده اند. (به نقل از دکتر محمد علی آبادی).

۴- نام کعبه به معنی مکعب است، البته کعبه یک مکعب کامل نیست بلکه یک مکعب مستطیل است که درازی آن شانزده متر است (بورکهارت، ۱۳۶۵، ص ۱۸). مکعب خالص ترین فرم جهانی است. مربع به عنوان پایدارترین کهن الگوی انسانی مبنای بر پایی کعبه و شانزده ساختاری آن است. کعبه از شاهکارهای تناسب ادراکی در جهان معماری است زیرا که علی رغم عدم تساوی طول، عرض و ارتفاع آن، تجسمی خالص و پایدار از یک مکعب را پدیدار می سازد. مکعب جلوه گاه ظهور خطوط موازی در بستری کالبدی و روحانی است. خطوط موازی، یادآور حرکت مستقیم، بدون انحراف و پابرجا به سوی هدف متعالی و «فرا تر» از تصورات انسانی است. نادر اردلان در کتاب معروف خویش با عنوان «احساس وحدت» به باز کاوی دقیق رمزگان نشانه شناختی و نمادین کعبه پرداخته که می تواند راهگشای دانش پژوهان هنر اسلامی باشد. همچنین از کتاب های ارزشمند دیگری که می توان در این زمینه نام برد، کتاب «مبانی هنر معنوی» است که در آن گزارش ها و مقالاتی از کربن شوان و غیره وجود دارد در این کتاب ارزشمند، بورکهارت درباره مشخصات نمادین کعبه و مبانی رمزی آن مقاله ای ارائه کرده است که مطالعه آن برای محققان راهگشا و سرشار از طراوت و شادابی است.

۵- قبه الصخره در اورشلیم (بیت المقدس)، در میان سالهای ۶۹۰ و ۷۲۰ هـ (۶۹۲-۶۸۸ م) ساخته شده است. دیواره استوانه ای تکیه گاه بر چهار جزر و دوازده ستون استوار است و دالان پیرامون گنبد بر هشت جزر و شانزده ستون که جمعا می شود چهل

ستون عنصر حمال (باربر) جلد چهل، عددی بسیار مقدس است زیرا شمار پاکانی که به گفته پیامبر اکرم (ص) ستون های جهان در همه اعصار هستند، برابر چهل است.

۶- سوره نور، آیه ۳۵: خداوند نور آسمان ها و زمین است...

۷- کریستین پرایس، در انگلستان دیده به جهان گشود و دوران کودکیش را در لندن گذراند و بعدها برای تحصیل به ایالت متحده رفت، تلاش های وی، در باز کاوی تاریخ، فرهنگ و هنر اسلامی از این دوره آغاز شده است. این کوشش ها او را در زمره شرق شناسان و اسلام شناسان برجسته قرار داده است.

۸- این کتاب ترجمه بخشی از مجموعه «هنر بیزانس و قرون وسطی» (Byzantine and Medieval Art) است که به هنر اسلام اختصاص دارد. مطلب یاد شده در متن، مربوط به مقدمه کتاب و نوشته Huyghe. Rene عضو آکادمی فرانسه، استاد کالج هنرهای زیبای فرانسه و مدیر افتخاری لورور است.

۹- (Walker) Sir Thomas Arnole در ۱۹ آوریل ۱۸۹۴ در لندن به دنیا آمد. تخصص اصلی او شرق شناسی بود در کنار آن، تحقیقات گسترده ای را در زمینه نقاشی اسلامی (نقاشی مسلمانان) به انجام رسانید. اغلب تحقیقات او در دانشگاه کمبریج و با بهره گیری از همکاری ادوارد کول (Edward Cowell) و ویلیام رابرتسون (William Robertson) به انجام رسید. در ۱۸۹۸ به درجه استادی در زمینه هنر اسلامی در دانشگاه دهلی نایل گشت. یکی از بزرگترین کارهای او، عزیمت به مصر و مکالمه با بزرگان الازهر در زمینه نقاشی اسلامی بوده است. (۱۹۶۵ ق/ ۱۹۲۸ و Painting Islam, Oxford)

شاید این اثر، غنی ترین منبع باز کاوی حدود شرعی و خصوصیات نقاشی اسلامی بوده است (The Dictionary of Art, 1996: V. 2, 429) برای آگاهی از روند شکل گیری نظرات این دانشمند می توان به Stchou Kine, 1930: 90-188 مراجعه کرد.

۱۰- نشانه شناسی و نمود شناسی دو متد متمایز در برخورد با یک نماد است. نشانه شناسی علمی با پشتوانه زبانی است، که در برخوردی پدیدارشناسانه، جریان سیال معنا در آن واگویی می شود. (سوسور، ۱۳۷۸) اما در نمود شناسی، یک علمی بصری- تاریخی، در قالبی اجتماعی به انجام می رسد. (برای دستیابی به مثال هایی روشن در این زمینه به هاسپرز، ۱۳۷۹، ص ۳۷-۴۰ مراجعه کنید.) از لحاظ تقسیم بندی های علمی، نمود خوانی مرحله علمی نمود شناسی و جزئی از نشانه شناسی شمایی است.

۱۱- از سوره الرحمان آیه ۴۱: چنین استنباط می کنند که شمایل نگاری مجاز است، به شرط آنکه در برگیرنده محتوای دینی متناسب با آن باشد. برای این نگاه به هنر مثال های متنوعی وجود دارد. از جمله آن که ترسیم چهره مومنان چه به صورت ساخت وار و

چه انتزاعی زمانی مجاز است که بر اساس سوره فتح آیه ۲۹ باشد. (رهنورد، ۱۳۷۸، ص ۷۸).

۱۲- ارزقی مؤلف قدیمی ترین تاریخ مکه است. او می گوید شمایل مورد بحث، تمائیل مریم علرا با فرزندش بر دامن او بود. که به گفته بورکهارت «این تصویر بعدها در آتش سوزی (۹) نابود شده است» (بورکهارت، ۱۳۶۵، ص ۱۹).

۱۳- در خبر است که پیامبر اکرم (ص) برای نماز به مکانی رفتند که پرده ای با نقش جانداران در آن آویخته شده بود. پیامبر فرمودند آن پرده را بردارند. البته کاملاً مشخص است که ایشان، فاقد نیروی تمرکز نبودند و این مهم را به عنوان یک اصل اسلامی ابراز داشته اند. بورکهارت در ذیل این روایت در یک عقب نشینی آشکار از مواضع قبلی خود می گوید: «معلوم می شود که بعضی از انواع هنر، با نیایش اسلامی سازگار نیست.» (بورکهارت، ۱۳۶۵، ص ۹۵)

۱۴- David Talbot Rice منتقد برجسته انگلیسی. در سال ۱۹۳۲ از دانشگاه آکسفورد در رشته الهیات مسیحی فارغ التحصیل شد. سپس با سفرهای متعدد به خاورمیانه در زمینه هنر اسلامی و بیژانسی به تحقیق و پژوهش پرداخت و به عنوان هیأت علمی دانشگاه کورنول لندن به فعالیت پرداخت.

۱۵- باید توجه داشت که هنر اسلامی شامل یک سری گره، شمشه موتیف نیست همان گونه که ممکن است در بنایی، کاشی، شمشه، گلدسته و غیره به کار رفته باشد و نام آن را هم مسجد بگذارند ولی توان از آن به عنوان معماری اسلامی یادکرد (مانند مسجد پارک لاله در تهران)

۱۶- Iconolater

۱۷- Icondolast

۱۸- برای مطالعه بیشتر در زمینه هنر اسلامی، به مثابه هنر انتزاعی، هندسی و یا هنری شامل یک سری از عناصر و موتیف های خاص مراجعه کنید به: 1898-1900, Blochet: 1950, Blocher: 1897 Blochet:

۱۹- اشاره به حدیث نبوی: نیت المؤمن خیر من عمله: نیت مؤمن از عمل او بهتر است و یا در حدیث دیگری چنین اشاره رفته است که «انما الاعمال بالنیات: همانا صلاح اعمال بر نیات استوار است.» در روایات اسلامی علاوه بر حسن فعلی صحت انجام عمل (حسن فاعلی) صحت نیت و اراده (نیز از اهمیت به سزایی برخوردار است تا آن جا که در دین مقدس اسلام، اگر نیت صحیح نباشد، ظاهر صحیح عمل پوچ و بی فایده خواهد بود. البته سیر از نیت به عمل در اندیشه ایرانی از سابقه ای طولانی برخوردار است. اساس آموزه های زرتشت بر پایه سه آموزه پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک استوار گشته که بر اساس این روش، انسان می بایست اندیشه، گفتاری و اعمال خویش را از پلشتی ها بیالاید تا در مسیر هدایت و رستگاری قرار گیرد.

- آونین، سیدمرتضی، کتاب مقاومت، دفتر فرهنگ و ادبیات حوزه هنری، تابستان ۷۰، شماره ۴.
- اتینگهاوزن، ریچارد و الگ گرابار، هنر معماری اسلامی، ترجمه. یعقوب آژند، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۸ (در متن به این صورت آدرس داده شده (آژند: ۱۳۷۸ و ده) مطالب یاد شده در متن از یعقوب آژند در مقدمه کتاب نقل شده است.
- الرافی، انور، تاریخ هنر در سرزمین های اسلامی، ترجمه: عبدالرحیم قنوت، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۷.
- الصایغ، سمیر، الفن الاسلامی، بیروت، دارالمفرقه، ۱۹۸۸ (به نقل از دکتر زهره کاظمی (زهرارهنورد)).
- بورکهارت، ابراهیم (تیتوس نام اولیه او بوده است)، هنر اسلامی - زبان و بیان، ترجمه: مسعود رجب نیا، تهران، انتشارات سروش، چاپ اول، ۱۳۶۵.
- پرایس، کریستین، تاریخ هنر اسلامی، ترجمه: مسعود رجب نیا، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۶۴.
- پینگ، لیوچی، معماری اسلامی در چین، ترجمه: مریم خرم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، بهار ۱۳۷۳.
- جوادی آملی، عبدالله (محمد)، تفسیر موضوعی قرآن مجید، تهران، مرکز نشر رجا، ۱۳۶۵.
- دوری، کارل جی، هنر اسلامی، ترجمه رضا بصیری، تهران، انتشارات یساولی - فرهنگسرا، چاپ دوم، ۱۳۶۸. (در متن به این صورت آدرس داده شده است: (تفرشی، ۱۳۶۸، ص ۸): مطالب یاد شده در متن از مرتضی سیفی تفرشی در مقدمه نقل شده است.
- زهنورد، زهرا، حکمت هنر اسلامی، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۸.
- سوسور، فردینال دو، دوره زبان شناسی عمومی، ترجمه کورش صفوی، تهران، انتشارات هرمس، ۱۳۷۸.
- گونل، ارنست، هنر اسلامی، ترجمه هوشنگ طاهری، تهران، انتشارات توس، ۱۳۵۵.
- کیانی، محمدیوسف، تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، بهار ۱۳۷۴.
- مطهری، مرتضی، اهتزاز روح - مباحثی در زمینه زیبایی شناسی و هنر، تهران، سازمان انتشارات حوزه هنری، ۱۳۶۹.
- نصر، حسین، هنر و معنویت اسلامی، ترجمه: رحیم قاسمیان، تهران، دفتر مطالعات دینی هنر، ۱۳۷۵.
- وایه، گاستون، هنر اسلامی در سده های نخستین، ترجمه رحمان ساوجی، چاپ مسطح چاپخانه گیلان، چاپ اول، ۱۳۶۳.

- هاسپرز، جان و راجر اسکارتن، فلسفه هنر و زیبایی شناسی، ترجمه، یعقوب آژند، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۹.
- هیلمن براند، رابرت، معماری اسلامی، ترجمه: ایرج اعتصام، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، چاپ اول، تهران، تابستان ۱۳۷۷.
- Arnold, T.W., and Bijon, the Court Painters of the Great Mughals. London, 1921
- Arnold, T.W., Survivals of Sassanian and Mainchaeaan Art in Persian Painting, Oxford, 1924.
- Arnold, T.W., Painting in Islam, a Study of the Palce of Pictorial Art in Persian Painting, Oxford, 1924.
- Arnold, T.W., Painting in Islam, a Study of the Palce of Pictorial Art in Muslim Culture, Oxford, 1928.
- Arnold, T.W., and A.Grohmann, The Islaic Vook: A contribution to is Art History from the Sevent to the Eighteenth Century, London and Paris, 1929.
- Arnold, T.W., Bihzad and his Ainitings in the Zafar-Namah Ms, London, 1930.
- Arnold, T.W., and J.V.S. Wilkinson, The Chester Beatty Library: A Catalogue of the India Minitures, Oxford, 1936.
- Arnold, Sir Thojas (Walker), <Painting in Islam>, Osford University Press, Oxfor, 1928/R.1965.
- Atasoy, Nurban, and Afif Babnassi Michel Rogers, <The Art of Islam> nesco (text) - Flammarion (Publication), 1990.
- Aston, Elaine And George Savora, <Theatre as Sign -System: A Semiotics of Text And Performance>, Routledge Press, London, 1991.
- Blochet, E., <les miniatures des manuscrits>. Gazette des Beaux - Arts, xvll (1897). PP.281-96: XXVIII (1897). PP.105-18.
- در این کتاب (در صفحات ۲۲۴-۱۹۳) مثال های مناسبی از هنر عربی ذکر شده که به عنوان الگوی سرزمین های اسلامی رواج یافته اند.
- Coomara Swamy, Ananda, <The Anatolian Givilzation: Prehistoric Hittite Early Iron Age> Istanbul, Ministry of Culture & Tourism, 1983.
- Dictionnaire Encyclopediqe QUILLET, Raoum Mortier Libraire Oulet, paris, 1965.
- Elide, Mircea; Encyclopedia of Religion; V.6, New York: Macmillan Publishin, 1987.
- Encyclopeia International, Vol. 9, In Twenty Volumes, Grolier Incorporated, New York, 1966.
- Encyclopedia Of world Art, Vol. VIII, McGraw - Hill Book Company, England, London, New York, Toronto, 1963.
- Grabar, Oleg, <The Formation of Islamic Art>, Yale University Press, New Haven and London 1973.
- Grand Larousse Encyclopedique, Vol. 6

Auge Gillon, Endix Vitumes, Librairie Larousse, Paris, 1962.

- Hoag, john D. <Islamic Architecture> by Academy Editions, Faber and Faber/ Elacta Publishers, London, 1979.

-Kosh, Ebba, <Mujhal Architecture, noutline of its History and Dvelopment 1526-1858>, Prestel Publication, 1991.

- Kunel, Ernust <Islamic Art and Architecture>, Translate By: Katherine Watson, G. Bell and Sons LTD, London, 1966.

- Michell, George, <Architecture Of the Islamic World>, Thames and Hudson Press (HMD), London, 1984.

- Pinder, Ralph, Wilson, <Studies In The Islamic Art>, The Pinder Press, London, 1985.

- Stchoukine I., <Un Historien de L'art Masulman: Sir Thomas W. Armond>, Rev. A Asiat, Vi. 1930.

- Talbot rice, David, <Islamic Art>, Thames and Hudson Press (H&D), London 1986.

- Van Berchem, M. and E. Fatio <Voyage en syrie>, Cario, 1913-14.

- Vernoit, Stephen, <Discoviring Islamic Art, Scholars, Collectors and Collections, 1850-1950>.